



12

نشریه اسلامی

باسمہ تعالیٰ
الحمد للهالرابطة الثقافية الإسلامية العالمية
International Islamic Cultural Association
انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

تاریخ: 2016/11/20 شماره: 12

پاسخگوی پرسش های دانشجویان مسلمان

www.khetabat.com

سوال: آیا دیدار خداوند جل جلاله برای شخص مؤمن و مسلمان ممکن است؟

جواب: در آیات قرآنی و احادیث متواتره ثابت شده است که دیدار الله متعال در بهشت نصیب اهل ایمان می شود: { وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ تَأْخِذُ. إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ } { در آن روز چهره هائی شاداب و شادانند. به پروردگار خود می نگرند. } القيامة-22-23

همچنان: { لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ } { آنانرا که نیکوکاری کردند حالت نیک باشد و زیاد برآن } یونس-26

در آیات فوق الذکر مراد از (الحسنی) بهشت و مقصد از (زیادة) دیدار الهی می باشد، از صهیب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: { إذا دخل أهل الجنة الجنة يقولُ الله تبارك و تعالی: تُريدون شيئاً أزيدکم؟ فيقولون: ألم تبيض وجوهنا؟ ألم تدخلنا الجنة و تُنجنا من النار؟ فيكشفُ الحجاب، فما أعطوا شيئاً أحب إليهم من النظر إلى ربهم } { چون اهل بهشت به بهشت در آیند، خدای تبارک و تعالی می فرماید: آیا چیزی می خواهید که برای شما بیفزایم؟ می گویند: آیا رویهای ما را سفید نکردی؟ آیا ما را به بهشت داخل نکرده و از دوزخ نجات ندادی؟ پس حجاب برداشته می شود، پس داده نشدند چیزی که برای شان دوست داشتنی تر از دیدار پروردگارشان عز وجل باشد. } (مسلم)

سپس این آیت را تلاوت کرد: { للذين أحسنوا الحسنى و زیادة }.

همچنان از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که گفت: ما در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بودیم پس به ماه شب چهارده نظر نموده و فرمود: { إنکم سترون ربکم عیاناً کما ترون هذا القمر، لا تضامون فی رؤيته } (شما بزودی آشکارا پروردگارتان را خواهید دید چنانکه این مهتاب را می بینید که در دیدن آن برای شما مزاحمتی ایجاد نمی شود.) (متفق علیه)

اما کفار بنا بر انکار و تکذیب شان نسبت به دین حق، از دیدار حق سبحانه و تعالی محروم و محجوب اند، { کَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ } (هرگز اهرگز ! قطعاً ایشان در آن روز (به سبب کارهائی که کرده اند) از (رحمت) پروردگارشان محروم و (از بارگاه قرب و منزلت آفریدگارشان) مطرودند. المطففين-15

مذهب اهل سنت و جماعت این است که رویت باری تعالی در دنیا عقلاً ممکن اما شرعاً ممتنع الوقوع است و در آخرت وقوع آن از نصوص قطعیه ثابت است:

{ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ } (چشمها (كُنْه ذات) او را در نمی یابند ، و او چشمها را در نمی یابد (و به همه دقائق و رموز آنها آشنا است) و او دقیق (است و با علم کامل و اراده شامل خود به همه ریزه کاریها آشنا ، و از همه چیزها (آگاه است .) انعام - 103

پس از آنکه میعاد چهل روز کامل شد، و موسی علیه السلام کلام بلا کیف الهی را شنید ذوق سرشاری بوی دست داد و بکمال اشتیاق دیدار متکلم را آرزو کرد و گفت ای پروردگار من بنمای به من خود را تا بسوی تو نظر کنم، الله متعال فرمود: {لن ترانی} (هرگز نخواهی دید مرا) أعراف-143 از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ثابت است که فرمود: { و اعلموا أنه لن یری منکم أحد ربه حتی یموت } (و بدانید که هرگز نمی بیند از شما کسی پروردگارش را تا اینکه بمیرد.) مسلم

* * *

سوال: شوهرم انگشتر طلا به انگشت دارد، من برایش گفتم که طلا برای مردان حرام است، وی برای من می گوید که پس برای تو نیز حرام است، چطور قناعت وی را فراهم کنم؟

جواب: استعمال طلا برای زنان به شکل گلویند، و انگشتری و دستبند و غیره جایز است: { أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ } (آیا کسی را که در لابلای زینت و زیور پرورش می یابد ، و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله (به خاطر حیا و شرم و عاطفه نازکی که دارد) نمی تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند ، (فرزند خدا می دانید و پسران را فرزند خود ؟ !) . زخرف- 18

آیت مذکور دلیل بر جواز زیورات برای زنان می باشد.

از علی رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در حالی دیدم که ابریشمی را گرفته و بطرف راستش نهاده و طلایی را گرفته و در طرف چپش نهاده و سپس فرمود: {إن هذین حرام علی ذکور أمتی} (این هر دو ، بر مردان اتم حرام است.) ابو داود

همچنان از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: { حَرَّمَ لِبَاسَ الْحَرِيرِ وَ الذَّهَبِ عَلَى ذُكُورِ أُمَّتِي ، وَأَحْلَلَ لِنَاثِمِهِمْ } (لباس ابریشمین و طلا بر مردان اتم حرام گردانیده شده و برای زنهای شان حلال شده است) ترمذی

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم می نویسد: { أجمع المسلمون علی إباحة خاتم الذهب للنساء } (مسلمانان در مباح شمردن انگشتر طلا برای زنان اجماع دارند.)

برآء رضی الله عنه در ضمن روایت یک حدیث میگوید: رسول خدا علیه الصلاة والسلام ما را از انگشتر

طلا منع کرده است: { و نهانا عن خواتیم الذهب } بخاری- کتاب الأشربة باب آنية الفضة

که در حدیث فوق الذکر منع مذکور در مورد مردان است.

ابوداود و نسایی از عمر و بن شعیب از پدرش از جدش روایت می کند که زنی با دخترش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و در دست آن دختر دو دستبند غلیظ از طلا بود، پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برایش گفت { أُتْعِطِينَ زَكَاةَ هَذَا؟! } (آیا زکات این را می پردازی؟!) آن زن گفت: نه، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: { أَنْ يَسُورَكَ اللَّهُ بِهِمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَارِينَ مِنْ نَارٍ؟ } (آیا شادمانت می کند اینکه خداوند به سبب آن در روز قیامت دو دستبند از آتش به دستهایت کند؟!) زن مذکور هر دو دستبند را کشیده و برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انداخته و گفت: آنها از خدا و رسولش باشد. در حدیث تاکید بر وجوب زکات دستبندهای مذکور صورت گرفته است و در مورد پوشیدن دستبندهای طلایی انکار وارد نشده است که دلیل بر مباح شمردن طلا برای زنان می باشد. حدیث مذکور صحیح و با اسناد جید است که در (بلوغ المرام من أدلة الأحكام) تالیف حافظ ابن حجر عسقلانی به شماره (607) نیز نقل شده است.

همچنان در بلوغ المرام به شماره (608) چنین نقل شده است، که ابو داود و دارقطنی آنرا روایت کرده اند و حاکم آنرا تصحیح نموده است: { عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّهَا كَانَتْ تَلْبَسُ أَوْضَاحًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَكُنْزُ هُوَ؟ فَقَالَ: إِذَا أُدِّيتْ زَكَاتُهُ فَلَيْسَ بِكُنْزٍ } (از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که ایشان خلخالی از طلا می پوشید، پس گفت: ای پیامبر خدا! آیا این کنز (ذخیره و خزانه) است؟ فرمود: اگر زکاتش را اداء کردی پس کنز نیست) در حدیث فوق همزه ای که قبل از (کنز) آمده است، برای استفهام می باشد، یعنی آیا این کار داخل در وعید این فرموده الله جل جلاله می شود: { وَالَّذِينَ يَكْتِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ } يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتِزُونَ } (و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده ده.) (روزی) فرا خواهد رسید که (این سگه ها در آتش دوزخ، تافته می شود و پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان با آنها داغ می گردد) (و برای توبیخ) بدیشان گفته می شود: این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می کردید، پس اینک بچشید مزه چیزی را که می اندوختید.) توبه 34-35

حدیث فوق نیز وجوب زکات زیورات را افاده می کند.

و در سنن ابو داود چنین وارد است که { آنچه رسیده است به اندازه ای که زکاتش اداء می شود، پس زکاتش را بپرداز در این صورت کنز نیست. } (ما بلغ أن تودی زکاته فزکی فلیس بکنز) که معتبر دانستن نصاب را افاده می کند و همچنان (ام سلمه) رضی الله عنها را از طلا منع نکرد. پس معلوم شد که طلا برای مردان حرام ولی برای زنان مباح می باشد.

* * *

سوال: یکی از دوستانم عروسی کردن با اقارب مانند دختر خاله و غیره را نمی پسندد، و می خواهد با غیر خویشاوندان ازدواج کند، آیا ازدواج کردن با اقارب و خویشاوندان از نظر شریعت ناپسند است؟

جواب: دیدگاه اسلام در این خصوص وسیع است، هم ازدواج با اقارب و هم با غیر اقارب جواز دارد. تعلیمات اسلام بر محور دین و اخلاق می چرخد: { إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ } (هر آئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترین شماست) الحجرات 13

لذا در حسن اختیار که زوجة صالحه است ترکیز صورت گیرد، زیرا در نظام خانواده عفت و دینداری جایگاه والایی را حایز است: { عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لِأَرْبَعٍ: لِمَا لَهَا، وَلِحَسْبِهَا، وَلِجَمَالِهَا، وَلِدِينِهَا، فَاطْفَرِ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبُّتَ يَدَاكَ } (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زن برای چهار چیز به نکاح گرفته می شود: مالش، حسب و نسبش، زیباییش و دینش، و تو برای بدست آوردن زنی دیندار اقدام کن، دستهایت خاک آلود شود (شاد و خرم زندگی کنی).) متفق علیه

لازم به تذکر است که اسلام از ازدواج با خانم زیبا ممانعت نمی کند زیرا در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله وسلم وارد است که قبل از خواستگاری دختر مورد نظر را بنگرید تا ازدواج مطابق میل شما باشد، این ممانعت در صورتی است که شخص صرف به زیبایی زن بنگرد و دینداری وی را در نظر نگیرد، ولی اگر خانم علاوه از دین و اخلاق از زیبایی و جمال برخوردار باشد، بسیار خوب و پسندیده است.

پس بنابر اقتضای مصلحت با هر که میل باشد، بر طبق قانون شریعت نکاح صورت گیرد.

{ فَإِنْ كُنْتُمْ تَهْتَدُونَ فَلْيَأْكِلُوا خُبْرًا } (پس نکاح کنید کسی را که خوش آید شما را) النساء 3

دین اسلام همواره به ازدواج امر می فرماید: { وَأَنْكِحُوا الْأَبَامَى مِنْكُمْ } (و به نکاح بدهید

زنان بی شوهر) و مردان بی زن) را که از شما باشند) نور 32

در شریعت بجز زنانیکه حرمت آنان بیان شده، دیگران، البته بر اساس شروط حلالند:

{ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ } (و حلال کرده شده به شما ما سوای زنان مذکور) النساء 24

الله متعال در سوره احزاب می فرماید: { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ } (ای پیغمبر ! ما برای تو (جهت توفیق در کار تبلیغ دعوت و چیزهای دیگر) حلال کرده ایم همسرانت را که مهرشان را پرداخته ای ، و همچنین کنیزانی را که خدا در جنگ بهره تو ساخته است ، و عموزادگان ، و عمه زادگان ، و دائی زادگان و خاله زادگان) احزاب 50

رسول خدا علیه الصلاة والسلام با زینب بنت جحش رضی الله عنها که دختر عمه آنحضرت بود ازدواج کرد، و زینب رضی الله عنها دخترش را در عقد نکاح ابی العاص که پسر خاله اش بود در آورد و حضرت علی کرم الله وجهه که ابن عم رسول خدا علیه الصلاة والسلام می باشند با فاطمه رضی الله عنها بنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ازدواج نمود.

سوال: آیا تلاوت کردن قرآن کریم از روی مصحف شریف و ذکر کردن خداوند جل جلاله، بدون وضو و یا در حال جنابت جایز است؟

جواب: قرآن کریم را در حال جنابت و یا بی وضو دست زدن روا نیست، الله متعال فرمود: { إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ . فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ . لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ } (هر آینه این (چیزی را که محمد با خود آورده است) قرآن گرانقدر و ارزشمند است. در کتابی پنهان (از دیدگان و دور از دسترس شیطان که لوح محفوظ است) قرار دارد. جز پاکان (یعنی فرشتگان الله) بدان دسترسی ندارند.) الواقعة 77- 79 مفهوم مذکور شامل فرشتگان و آدمیان می شود. همچنان در حدیث شریف چنین وارد است: { عن أبي بكر بن محمد بن عمرو بن حزم عن أبيه عن جده أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم كتب إلى أهل اليمن كتاباً و كان فيه: لا يمَسُّ القرآن الا طاهر } رواه الاثرم و الدارقطني

(از ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم از پدرش ، از جدش روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

نامه ای به اهل یمن نوشت و در آن چنین نوشته بود: قرآن را بجز طاهر (پاک) مس نکند.)

تلاوت کردن قرآن از یاد و حفظ و بدون دست زدن در حالت جنابت نیز جایز نیست، هر زمانیکه خواستید تلاوت کنید اولاً غسل نمائید، سپس قرآن کریم را بخوانید.

{ عن علی بن أبی طالب رضی الله عنه قال: کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یقرئنا القرآن ما لم یکن جنباً } رواه احمد و أبوداود، وابن ماجه و النسائی و الترمذی (از علی بن طالب رضی الله عنه روایت است که گفت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برای ما (در غیر حالت جنابت) قرآن می خواند).

همچنان: { عن علی رضی الله عنه قال: رأیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم توضأ ثم قرأ شیئاً من القرآن ثم قال: هكذا لمن لیس بجنبٍ فأما الجنب فلا ولا آیه } (ابویعلی) (از علی رضی الله عنه روایت است که گفت: دیدم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را که وضو نمود، پس از آن چیزی از قرآن خواند، سپس فرمود: اینگونه برای کسی که جنب نیست، اما جنب، پس نه و نه آیتی).

لذا در (غنیة المستملی) چنین وارد است: { ولا یجوز لهم ای للجنب و مس المصحف الا بغلاف } (و جایز نیست برای ایشان یعنی برای جنب و دست زدن به قرآن مگر اینکه با غلاف (پوشش) باشد.) غنیة المستملی - 56

ولی بی وضو تلاوت کردن بدون دست زدن جایز است، در حالیکه وضوء داشتن افضل می باشد. امام نووی رحمه الله علیه می گوید { أجمع المسلمون علی جواز قراءة القرآن للمحدث، و الأفضل أن یتطهر لها } (مسلمانان اجماع دارند که قرائت کردن قرآن کریم برای بی وضو جایز می باشد و افضل آنست که برای آن (قرائت قرآن) طهارت کند.) اما ذکر کردن الله متعال مانند تسبیح و تهلیل و تکبیر و تحمید جایز بوده و ثواب دارد: { کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یذكر الله علی کل أحيانه } (رسول خدا علیه الصلاة و السلام در همه اوقات الله را ذکر می نمود.)

حدیث فوق الذکر را امام مسلم رحمه الله از عایشه رضی الله عنها روایت کرده است.

* * *

سوال: در کشوری که ما زندگی می کنیم مسجد کم است، برای ادای نماز عید در یکی از مساجد نسبتاً دور رفتیم ولی دیدم که یک شخص نماز عید را امامت کرد، و پس از آن یک شخص دیگر خطبه گفت، در وطن که دیده بودیم هم نماز عید و هم خطبه را یک مولوی صاحب اداء می کرد؟

جواب: اینکه نماز عید را یک شخص و خطبه را شخص دیگر اداء نمود جایز است، اما خلاف اولی می باشد، مستحب آنست که هم نماز و هم خطبه عید را یک امام اداء نماید، زیرا همینطور سنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و خلفای راشدین بود. ولی چنانچه در آغاز نوشته شد، از حیث جواز جایز است.

{ لا ينبغي ان يصى غير الخطيب فإن فعل... جاز... } (شايسته نيست كه نماز بدهد غير از خطيب،

ولى اگر چنين كرد... جاز است...) الدر المختار على هامش رد المختار باب الجمعة ج 1 - 771

* * *

سوال: من بخداوند جل جلاله سوگند خورده بودم كه ازدواج ثانى نمى كنم ولى اکنون پس از

گذشت چند سال اقدام به ازدواج ثانى نموده ام، آيا بخاطر اينكه عهد شكنى كرده ام ، صدقه بدهم؟

جواب: چون شما قسم را شكستيد، بايد كفاره بدهيد، و در كفاره دادن مخير هستيد كه ده مسكين را دو وقت طعام دهيد، و يا اينكه ده مسكين را لباس بپوشانيد، و اگر اينها ميسر نشد (و صاحب نصاب نباشيد) در آنصورت سه روز متواتر روزه بگيريد.

{ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } (خداوند شما را به خاطر سوگندهاي بيهوده و بي اراده مؤاخذه نمي كند ، ولى شما را در برابر سوگندهائي كه از روي قصد و اراده خورده ايد مؤاخذه مي كند . كفاره اين گونه سوگندها عبارت است از : خوراك دادن به ده نفر مستمند از غذاهاي معمولي و متوسطّي كه به خانواده خود مي دهيد ، يا جامه دادن به ده نفر از مستمندان ، و يا آزاد كردن برده اي . (ميان هر يك از اين سه كار مخير هستيد) اما اگر كسي (هيچ يك از اين سه كار را نتوانست و توانائي انجام آنها را) نيافت ، (او مي تواند) سه روز روزه (بگيرد) . اين كفاره سوگندهائي است كه مي خوريد . سوگندهاي خود را حفظ كنيد (و سعي كنيد سوگند نخوريد و اگر خورديد بدانها عمل كنيد و اگر هم سوگندها را شكستيد كفاره را فراموش نكنيد) . خداوند اين چنين (روشن) آيات (احكام) خود را براي شما بيان مي كند تا (بر اثر آشنائي با احكام الهي) شكر (نعمتهاي او را) به جاي آوريد . المائدة 89

{ وفيه الكفارة ان حنث } (و در آن كفاره است اگر خلاف سوگند كرد) الدر المختار على هامش رد المختار كتاب الايمان ج 3 - 66

* * *

سوال: شخصى با وجوديكه ثروتمند است، مصارف خانم و فرزندان را نمى پردازد، خانم با بسيار

مشكلات براى اطفال قوت لاي موت مهيا مى كند، يك مولوى صاحب مى گويد نفقه خانواده بر شوهر

واجب است، در اين صورت تكليف خانم در برابر اين شوهر كه هميشه خانواده اش گرسنه هستند

چه مى باشد؟

جواب: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: { ألا وحققن عليكم أن تحسنوا إليهن في كسوتهن و طعامهن } (آگاه باشید که حق آنها (زنان) بر شما آنست که بر ایشان در لباس و طعامشان احسان نمائید) ترمذی

لذا فقها بر این وجوب تاکید کرده اند: { النفقة واجبة للزوجة علي زوجها } (نفقه زن بر شوهر واجب است).
هداية - باب النفقة ج 2 - 417

برای خانم مذکور جایز است که به اندازه کفایت و معروف از دارایی شوهر (ولو بدون علم وی) برای مصارف خودش و فرزندانش اخذ نماید.

{ عن عائشة رضي الله عنها قالت: قالت هند امرأة أبي سفيان للنبي صلى الله عليه وآله وسلم : إن أبا سفيان رجل شحيح و ليس يعطيني ما يكفيني و ولدي إلا ما أخذت منه و هو لا يعلم. قال: خذي ما يكفيك و ولدك بالمعروف } (از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: هند همسر ابوسفیان برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: ابوسفیان مردیست بخیل ، آنچه را که برای من و فرزندانم کفایت کند نمی دهد، مگر آنکه بدون آگاهی او بگیرم. فرمود: آنچه را که برای تو و فرزندانت کفایت می کند با شیوه پسندیده بگیر.)

سوال: نماز اشراق را بر وفق جدول اوقات نماز دقیقاً به وقت اشراق (6:34) خواندم، در کنارم شخصی قرآن را تلاوت می کرد، برایم گفت: این وقت نماز اشراق نیست، باید یک اندازه صبر نمایی، آیا گفته وی درست است؟

جواب: شخص مذکور بر حق بوده است، زیرا نماز اشراق درست نیست تا اینکه آفتاب در نظر کردن به اندازه یک نیزه بلند شود: { ... ما لم ترتفع الشمس قدر رمح } رد المحتار- کتاب الصلاة - ج 1 - 344
{ عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: لا صلاة بعد الصبح حتى ترتفع الشمس و لا صلاة بعد العصر حتى تغيب الشمس } (نمازی بعد از صبح نیست تا اینکه آفتاب بلند شود، و نمازی بعد از عصر نیست تا اینکه آفتاب غروب کند) متفق علیه

سوال: من یک دوکاندارم، وقتی که مشتری می آید که چیزی را خریداری کند، عموماً از من می پرسند که آیا در این چیز عیبی است و یا خیر؟ من برایشان می گویم مال پیش رویت قرار دارد، خودت ببین

اگر مورد پسندت واقع شد آنرا خریداری کن، ولی من عیب آن چیز را برایش نمی گویم تا مالم فروخته شود، آیا این کار من اشکال شرعی دارد و یا خیر؟

جواب: برای فروشنده مجاز نیست که عیب مال خود را کتمان کند، زیرا این کار حصول مال به طریق حرام می باشد، که شریعت اسلامی تحصیل مال باطل را ولو به رضایت جانبین باشد، ناجایز قرار داده است، الله متعال فرمود: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ يَكُفُّ رَحِيمًا } (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راههای نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و...) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی مکنید و خون همدیگر را نریزید. بیگمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود) . النساء 29

مقصد از تجارت زیاد شدن مال است نه کم شدن آن، لذا تاجر هوشیار در معامله اش با مشتری صدق ورزیده و خیانت نمی کند، تا در مالش خیر و برکت پیدا شود: { عن أبي خالد حكيم بن حزام رضى الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: البيعان بالخيار ما لم يتفرقا، فإن صدقا و بينا بورك لهما فى بيعهما، وإن كتما و كذبا محقت بركة بيعهما } (از ابو خالد حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه فرمود: هر دو معامله کننده (فروشنده و خریدار) اختیار دارند (فسخ بیع را) تا زمانی که از هم جدا نشوند، اگر راست گفتند و بیان نمودند در معامله شان برکت نهاده می شود و اگر پوشیدند و دروغ گفتند برکت معامله شان از بین می رود.) متفق علیه

همچنان در روایتی از ابو هریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از کنار انبار طعامی گذشته، دستش را در آن داخل نمود و انگشتانش را رطوبت رسید و فرمود: ای صاحب طعام این چیست؟ گفت: یا رسول الله! باران به آن رسیده. فرمود: { أفلا جعلته فوق الطعام حتى يراه الناس، من غشنا فليس منا } (چرا آن را بالای طعام نگذاشتی تا آن را مردم ببینند، کسیکه به ما خیانت کند از ما نیست) مسلم

بنابران تعلیمات اسلامی بر وجوب اظهار عیب مال تاکید می ورزد.

*

*

*

سوال: با چند نفر دوستانم یکی از ولایت سفر داشتیم، در وسط راه به بیماری تب مبتلا شدم، هوا خیلی سرد بود، و استفاده آب برایم ضرر داشت، ناچار تیمم کردم و نماز خواندم یکی از دوستانم

اصرار داشت که حتما باید وضو نمایم ولی من مریض بودم آیا تیمم من درست بود؟

جواب: هرگاه استعمال آب برای شخص بیمار زبان رساند، جهت استحصال طهارت تیمم به خاک

کافیست، الله متعال فرمود: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا } (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید به نماز نایستید تا آن گاه که می‌دانید چه می‌گوئید، و به نماز نایستید در حالی که جنب هستید تا آن گاه که غسل می‌کنید، مگر این که مسافر باشید. و اگر مریض یا مسافر بودید و یا این که از پیشاب برگشتید، و یا این که با زنان نزدیکی کردید و (در همه این احوال) آبی نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید و (برای این منظور، با خاک) چهره و دستهایتان را مسح کنید. بیگمان خداوند عفوکننده و آمرزنده است.) النساء 43

در حالت بیماری یا خوف مرض که عذر شرعی به شمار می‌رود، تیمم قائم مقام وضو و غسل می‌باشد، که رفع حرج و سختی از بندگان است.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوْهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنْبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ } (ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز بپاخاستید (و وضو نداشتید)، صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشوئید، و سرهای خود (همه یا قسمتی از آنها) را مسح کنید، و پاها را همراه با قوزکهای آنها بشوئید. و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید، همه بدن) خود را بشوئید. و اگر بیمار بودید (و بیماری مانع از استعمال آب بود) یا این که مسافر باشید (و یافتن آب برایتان دشوار بود) یا این که یکی از شما از پیشاب برگشت، یا با زنان مجامعه کردید، و (در همه این صورتهای، آب برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید، (بدین شکل که دو بار کف دست بر خاک زده و) با آن بر صورتها و دستهای خود (تا مچ یا آرنج) بکشید. خداوند نمی‌خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد، و بلکه می‌خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) به جای آورید.) المائدة 6

بر اساس روایت ابو داود رحمه الله از جابر رضی الله عنه، رسول خدا علیه الصلاة والسلام در مورد

شخصیکه سرش زخم برداشته بود، و بنابر مشوره رفقاییش تیمم نکرده و غسل نمود، و این امر سبب وفاتش شد، فرمود: (.... إنما كان يكفيه ان يتيمم) (برایش کافی بود که تیمم می کرد.)
 { من عجز عن استعمال الماء....أو المرض....تيمم } (کسیکه عاجز شود از استعمال کردن آب.... یا به سبب بیماری تیمم کند). الدر المختار علی هامش رد المختار باب التيمم - ج - 1 - 214

سوال: پدرم یک دوکان و یک منزل را برای برادرانم فروخت ولی من چون پول کافی نداشتم هیچ چیز حاصل نکردم، آیا این کار پدرم عدالت است و در حق من که وضع اقتصادم خوب نیست ظلم نشده است؟

جواب: اگر پدرت دوکان و منزل را برای برادرانت، در مقابل پول (مانند دیگران) فروخته است، در این اشکالی نیست، اما اگر این یک حيله بوده است و آنها را در مال بر تو ترجیح داده است، این کار جایز نیست، زیرا پدر باید در معاملات و توزیع مال و بخشش، اعتدال و انصاف و مساوات را رعایت نموده، از افراط و تفریط در این امور اجتناب ورزد.

الله متعال فرمود: { إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ } (خداوند به دادگري ، و نيكوكاري ، و نیز بخشش به نزديكان دستور مي دهد ، و از ارتكاب گناهان بزرگ (چون شرك و زنا) ، و انجام كارهاي ناشايست (ناسازگار با فطرت و عقل سليم) ، و دست درازي و ستمگري نهي مي كند . خداوند شما را اندرز مي دهد تا اين كه پند گيريد) و با رعایت اصول سه گانه عدل و احسان و ايتاء ذي القربى ، و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشاء و منكر و بغي ، دنيائي آباد و آرام و خالي از هرگونه بدبختي و تباهي بسازيد) . نحل 90
 رسول خدا عليه الصلاة والسلام فرموده است: { اعدلوا بين أولادكم } (در ميان فرزندانان عدالت كنيد). رواه مسلم و ابو داود و النسائي و احمد

سوال: اینجانب در یکی از کشورهای غربی مقیم هستم، آیا شرکت کردن در نماز جمعه در این کشور که دولت آن غیر اسلامی است جایز است؟

جواب: نماز جمعه در کشورهای غیر اسلامی جایز بلکه واجب است، و کسیکه بدون عذر شرعی آنرا ترک می کند، مرتکب گناه شده است. بر مسلمانان آن دیار لازم است تا بر نمازهای جمعه که

اظهار شکوه و عزت اسلام است پایبندی و مواظبت مستمر داشته باشند.

{...مع انها تصح فی البلاد التي استولى عليها الكفار.} (...با وجوبه آن (نماز جمعه) در کشورهای

که کفار بر آن مسلط شدند، صحیح است) رد المحتار باب الجمعة ج 1 - 748

* * *

سوال: در یکی از کشورهای غربی هستیم و می خواهیم به زیارت حج و یا لا اقل عمره بروم ولی شوهرم همراه نمی رود و می گوید که مشغولیت های زیاد دارم، آیا با یکنعداد زنان که فقط یک مرد در رأس آنها برای رهنمایی است می توانم به حج و یا عمره بروم؟

جواب: برای زن جایز نیست که به حج و غیره بدون محرم سفر کند، پیامبر علیه الصلاة و السلام فرمود: { لا یحل لامرأة تو من بالله و الیوم الآخر تسافر مسیرة یوم و لیلة الا مع ذی محرم علیها } (روا نیست برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد اینکه به اندازه ای مسافت یک شبانه روز سفر نماید مگر همراه کسیکه برایش محرم است) متفق علیه

همچنان: { لا تسافر المرأة إلا مع ذی محرم } (سفر نکند زن مگر همراه کسیکه برایش محرم است) متفق علیه

همچنان در حدیث متفق علیه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که وی از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنید که فرمود: { لا یخلون رجل بامرأة إلا و معها ذو محرم و لا تسافر المرأة إلا مع ذی محرم. فقال له رجل: یا رسول الله إن امرأتی خرجت حاجة، و انی اکتبت فی غزوة کذا و کذا ؟ قال: انطلق فحج مع امرأتک } (هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر اینکه با وی محرمی باشد، و زن سفر نکند مگر همراه کسیکه محرمش است، مردی گفت: ای رسول خدا ! زنم به قصد حج بیرون آمده و نام من در زمره کسانی نوشته شده که به غزوه فلان و فلان می روند، فرمود: برو با زنت حج کن.)

اهل علم بر آنند که هرگاه زن محرم نداشته باشد، حج بر وی واجب نمی شود، ولو غنی و ثروتمند باشد، و اگر به همین حال وفات کند، حج وی بر بازماندگانش الزامی نمی باشد، زیرا در حقیقت غیر قادر بوده است، و الله سبحانه و تعالی حج را بر کسیکه استطاعت دارد فرض گردانیده است:

{وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ} (و حق خداست بر مردم حج خانه کعبه هر که توانایی بسوی آنرا دارد و هر که کافر شود پس خداوند بی نیاز

است از عالمیان) آل عمران - 97

*

*

*

سوال: در مسجد منطقه ما دو اذان با دو جماعت صورت می گیرد، و هر فرقه یکدیگر را متهم به

شرک و بدعت می کند، آیا این کار جایز است؟

جواب: در یک مسجد قصداً دو اذان با دو جماعت جایز نیست، زیرا چنانچه از سوال پیداست، این کار باعث تفریق کلمه شده و مقصد شریعت که وحدت صف است تحقق نمی یابد.

{ أَهْلُ الْمَسْجِدِ إِذَا صَلُّوا بِأَذَانٍ وَجَمَاعَةٍ يَكْرَهُ تَكَرُّرَ الْأَذَانِ وَالْجَمَاعَةِ فِيهِ } (اهل مسجد چون به اذان و جماعت، نماز را اداء کردند، تکرار اذان و جماعت در آن مکروه است) عالمگیری- الباب الثانی فی الأذان ج - 1 - 51

*

*

*

سوال: آیا زن حق طلاق خواستن را دارد؟

جواب: هرگاه میان زن و شوهر بی اتفاقی و منافرت و بیزاری حادث گشته، و حقوق زوجین اداء نشود، و هیچگونه توافق امکان پذیر نباشد، در این صورت، زن حق طلب طلاق را داشته و می تواند در مقابل مال (مهر، یا اضافه و یا کمتر از آن) خود را از عقد نکاح برهاند که اینرا (خلع) می نامند. الله متعال می فرماید: { فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ } (پس اگر ترسیدید که برپا ندارند احکام الله را ، پس نیست گناهی بر زن و شوهر در آنچه عوض خود داد زن آن را). البقره- 229

*

*

*

سوال: یکی از اقارب خاتمش را از منزل خارج نموده است و مصارف نفقه اش را هم نمی پردازد، آیا

در این صورت طلاق بهتر است یا خیر؟

جواب: در صورت مذکور سعی ورزیده شود تا صلح صورت گیرد و منصفی از اقارب شوهر و منصفی از

اقارب خانم انتخاب شده، جهت تصمیم گیری نزد جانبین فرستاده شوند تا زمینه صلح و آشتی را فراهم سازند { وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا } (و اگر ترسیدید خلاف بین زوجین را پس بفرستید منصفی از اقارب مرد و منصفی از اقارب زن، اگر بخواهند اصلاح را، البته موافقت کند خدا بین زوجین، هر آینه خدا هست

اما در صورتیکه باز هم شوهر مذکور بر کردارش اصرار ورزیده، نفقه و سایر حقوق زن را اداء نمی کند، نباید بدینگونه ادامه داده، باعث آزار و اذیت خانم شود، بلکه بر وی لازم است تا خانمش را طلاق دهد. { فَاِمْسَاكٌ يَمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ يَّحْسَانٍ } (پس نگهداشتن بوجه پسندیده یا رها کردن به نیکویی) بقره - 229

در صورتیکه شوهر مذکور از طلاق دادن اباء ورزد، قاضی محکمه حکم (تسریح) را تنفیذ می تواند.

سوال: یکمقدار پول برای یکی از دوستانم بعنوان قرض دادم، آیا زکات آن را من بپردازم؟

جواب: پول مذکور حکم موجود را دارد، و بر شما واجب است تا زکات آنرا بپردازید.

{ الزكاة واجبة على الحر العاقل البالغ المسلم اذا ملك نصاباً ملكاً تاماً و حال عليه الحول }. هداية - كتاب الزكاة - ج 1 - 167

پاسخ از:

حاجه زهرا خلیلی